

## جناب آقای ایرج گرگین روی سخن با جنابعالی و همکاران شما در رادیو فرداست!

جناب گرگین براستی شما از کدام تبارید؟ شما و...؟! را چه شده است که ملت ایران و مبارزات آنان را به سخره گرفته اید؟ جنابعالی بعنوان مدیر مسئول بخش فارسی رادیو آزادی ((فردا)) سر در آبخور کدامیک از دشمنان این سرزمین دارید؟ اگر شما هم مثل دیگر همکارانتان در رادیو BBC و آلمان و فرانسه و... از ایران و ایرانی بودن خود بریده، و تابعیت و ملیت دیگری را انتخاب کرده اید، هرگز فراموش نکنید که اجداد گرانقدر جنابعالی در این سرزمین زندگی کرده و در زیر خاک مقدس این مرز و بوم دفن و کفن گردیده اند. جنابعالی و امثال شما در مقابل ایرانی بودن پدران و مادران و اجداد خود دارای مسئولیتی تاریخی و اخلاقی و انسانی هستید.

براستی زندگی کردن در دنیای غرب و بهره مندی از نعمات مادی و معنوی آن سامان چقدر چشمگیر و ستودنی است که باعث میگردد تا انسانی چون جنابعالی و دیگر ایرانیان مشغول در رسانه های این و آن کشور، اصالت و جوهر، فرهنگ و تمدن و عرق وطن پرستی و میهن دوستی خود را بفراموشی بسپارند، و تمامی مختصات والای انسانی را در مقابل نعمات غرب قربانی نمایند؟

با آسودگی و طیب خاطر سوگند یاد میکنم، بدون آنکه قصد اهانت یا اسانه ادب داشته باشم، باید مستحضر باشید که کثیری از مردم ایران در درون مرز از عملکرد شما و همکارانتان در رادیو فردا، و دیگری چون جناب بهارلو در VOA. بهنودها در BBC و رسانه های دیگر که بدون در نظر گرفتن مطالبات واقعی مردم ایران در درون مرز چنین برنامه هائی را برای ملتی گرفتار و اسیر در دست دشمن تهیه و پخش مینمایند، بشدت مکدرند.

این واقعیت را باید دریابید که وقتی رادیوی تحت مدیریت جنابعالی هنوز هم شخصیتهای دروغین اصلاح طلب را در زمره ناجیان این مرز و بوم می پندارد و بهر مناسبتی همه توجه تان معطوف به اندیشه و تفکر آنها میشود، اصلا مورد توجه عام و بسیاری از فعالین و مبارزین درون مرز ((البته غیر وابسته ها)) قرار نداشته و ندارد. مباد که فکر کنید این تکدر خاطر یا نارضایتی و خشم درونی، آنهم در این برهه از تاریخ این سرزمین منحصر به من یا آن دیگری است. خیر، خیر. این نارضایتی و خشم درونی یک اکثریت بزرگ از مردم ایران در درون مرز را شامل میشود که شب و روز از رادیو شما بعنوان یک رسانه جهانی و از همه مهمتر یک رسانه آمریکائی استفاده کرده و شنونده آن رادیو هستند. ((از جمله خود بنده و دوستاتم)) که اکثرا جزو فعالین سیاسی میباشند شاید برای شما و همکارانتان در رادیو فردا، یا آنهاییکه در BBC و VOA و رادیو آلمان و AFI و غیر و، کار میکنند این پرسش بمیان بیاید که چه شده که ما با چنین عبارات و واژگان خشم آلود و عصیان زده ای مطالب را بیان مینمایم؟ جواب چون روز روشن است شما فی النفسه یک رسانه آمریکائی هستید و با بودجه کنگره و وزرات خارجه آمریکا و در نهایت با بودجه ملت آمریکا مشغول فعالیت هستید و باید انعکاس دهنده آن چیزی باشید که در وحله اول خواست ملت ایران و آمریکا و در وحله بعد منطبق با سیاستهای دولت آمریکا در منطقه و این سرزمین طاعون گرفته باشد.

بکرات این شعار فاقد محتوا و این دستور العمل کلیشه ای مبنی بر اینکه رسانه ها خصوصا رسانه های دیداری و شنیداری، خاصه رسانه های تحت حمایت دولتها، مثل رادیو فردا یا BBC و یا... مستقل هستند و از زبان مدیران و مجریان آن رسانه ها دیده و شنیده ایم که

دولتها در عملکرد رسانه ها دخالتی ندارند ! مسلما امروز دیگر این حقیقت از پوسته گزافه گویی و شعار گونگی بیرون افتاده و معلوم گردیده است که هیچ رسانه ای ، بدان معنا وجود ندارد که بحق مستقل باشد .

مصدق بارز این ادعا همین رسانه شماس است . کدام استقلال ؟ کدام عدم دخالت و جهت گیری های دولتی ؟ بعنوان نمونه باز هم رادیوی تحت مدیریت جنابعالی و آن چند تای دیگر را مثال می آوریم .

چرا رادیو فردا بعنوان یک رسانه آزاد و مستقل انعکاس دهنده مطالبات مردم ایران نیست ؟ مگر شما نمیدانید که نظر مردم ایران ، پیرامون تداوم حیات ، یا از بین رفتن حکومت اسلامی چیست ؟ اگر چنین است ، چرا عملکرد رادیوی تحت زعامت شما با آنچه که سیاستهای دولت آمریکا بعنوان تامین کننده اصلی بودجه و هزینه های آن رادیو است در تعارض قرار دارد؟ دولت آمریکا هیچ وقت بصراحت نمیگوید که سیاست استراتژیکی او با دولت اسلامی چیست ، اما دنیا میدانند که قالب بندی و اهداف سیاسی آمریکا در پیوند با رژیم اسلامی چیست و چه سیاستی را دنبال مینماید . با این تعریف بسیارپیش پا افتاده و موجز و درعین حال اساسی ، این سؤال بمیان می آید که چرا شما و دیگران برای انجام مصاحبه مدام بسراغ شخصیتها و افرادی میروید که هیچکدامشان در نزد اکثریت مردم ایران بطور عام و مبارزین و فعالین سیاسی جدا شده ، یا از ابتدا جدا بوده از رژیم از هیچ جایگاه مقبولی برخوردار نبوده و بسیاریشان جزو منفورترین افراد بحساب میآیند ؟؟

بارها و بارها دیده و شنیده ایم که رادیو فردا یا VOA و ... بمنظور پر کردن وقت برنامه ها بسراغ شخصیتهایی چون صادق زیبا کلام ، ماشاءالله شمس الواعظین ، عباس عبدی ، هوشنگ امیر احمدی ، علمداری ، مسعود بهنود ، عماد باقی و قماشی از این دست رفته و پیرامون اوضاع این سرزمین مصاحبه یا نظر خواهی نموده اید . شما یا دیگران انتظار دارید تا فردی مثل صادق زیبا کلام یا ... سخنگوی واقعی مطالبات مردم یا چالش موجود بین دنیای غرب با رژیم اسلامی در زمینه هسته ای باشند ؟ اگر چنین می اندیشید ، زهی شور بختی !

این واقعیت تلخ و تاریخی را بایستی همه رسانه ها ، تمامی گزارشگران با مرز و بدون مرز ، وابسته و غیر وابسته ، ایرانی و غیر ایرانی دریابند که این حضرات و افرادی از این جنس در هر جایگاه و پایگاهی که قرار داشته باشند ، از بیخ و بن فاقد جاهت و بصورت جمعی همانهایی هستند که در طی این 27 سال پدر این ملت را در آورده و ثروتهای این سرزمین را به همراه ملایان به توپره کشیده و هر کدام در اقصی نقاط جهان مشغول عیش و نوش خود بوده اند . بسیاری از این خانمها و آقایان در زمره کسانی هستند که در فتنه ویرانگر 57 دستهای پنهان و آشکار روح الله خمینی و انقلاب ضد ایرانی اسلامی بودند، تمامشان باید بدانند که ماه زیر ابر نخواهد ماند وطشت این حضرات هم از پشت بام خواهد افتاد ، آنهم با دست همین ملت خسته وبسته آمده ، و بدست مبارزین راستین آزادی در درون و برون مرز .

هر کدام از این عناصر و آنائیکه با آوردن اسامی ننگین شان محتاج به دهها ورق کاغذ و ساعتها وقت میباشد ، هنوز هم در تلاش و تقلا هستند تا شاید بتوانند با علم کردن دار و دسته هاشمی رفسنجانی و خاتمی خانن ، شخصیت ننگین و حیات سیاسی ننگین ترشان را احیا نمایند . این موجودات اهریمنی باطنا به هیچ وجه مایل نبوده و نیستند تا بساط این جهنم ایران سوز و مردم کش برچیده شود . در واقع جمهوری اسلامی بمثابه کندوی متعفن شده ای است که این جانوران بظاهر روشنفکر و محقق و مفسر و تحلیلگر و... میتوانند در آن زیست نمایند و بهمین دلیل هم کمترین سنخیت فکری با مردم ایران نداشته و ندارند .

بیست و هفت سال حیات پر از کینه و نفرت جمهوری اسلامی ، مبین این حقیقت انکار ناپذیر است که هیچکدام این حضرات و انبوه دیگر از این جنس که از درج اسمشان بدلیل پرهیز از اطاله کلام خودداری میشود ، هنوز هم مصمم هستند تا برای ادامه اصلاحات دروغین و شخصیت دروغین تر آن یعنی محمد خاتمی ، و شیخ فاسد و ریاکار و ملعون ، علی اکبر هاشمی رفسنجانی که مدتهاست تاریخ مصرفش به پایان رسیده و در دو مرحله (( انتخابات مجلس ششم- انتخابات نهم ریاست جمهوری )) توسط مردم ایران به زباله انداخته شد ، سینه چاک بدهند و یقه بدرند .

اکبر عطری ، محسن سازگارا ، علی افشاری ، مهر انگیز کار ، مسعود بهنود ، عطا الله مهاجرانی ، رضوی فقیه و... بعنوان بخشی از اصلاح طلبان اپوزیسیون شده ! و بیرون فرستاده شده !!!؟ بهمراه یاران و همراهان دیروزین خود در درون و بیرون ، بدون توجه به مطالبات واقعی مردم ایران خاصه جوانان همه چیز باخته و بستوه آمده ، همانانی هستند که از روز اول این سیه روزی ملی و تاریخی یار و غار این قوم و قبیله بوده و بعد هم در نهادهای چون دفتر تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی دانشجویان در دانشگاهها و مراکز اطلاعاتی و کرسی های وزارتی و غیر و در مجموعه فریبکاریها و سرکوبگریهای رژیم سهیم بوده و دارای پرونده های اتهامی سنگینی در نزد ملت ایران میباشند .

این حضرات همانانی بوده و هستند که حتی در قربانی کردن یار قدیمی خود ((اکبر گنجی )) هم کمترین تردیدی بخود راه ندادند چرا راه دور برویم ، سرکار خانم شیرین عبادی بعنوان یک شخصیت جهانی در جایگاه مدافعان حقوق بشر و برنده صلح نوبل هنوز هم دارد از فعالیتهای هسته ای رژیم جمهوری اسلامی حمایت مینماید ، بدون آنکه ادراک کرده باشد که ملت ایران در چه شرایط اسفناکی بسر میبرد . خانم شیرین عبادی در شرایطی به حمایت از فعالیتهای هسته ای رژیم پرداخته که دنیا میداند رژیم اسلامی بدنبال دستیابی به سلاحهای مخرب کشتار جمعی و اتمی است .

آقای عبد الکریم لاهیجی با اینکه عنوان نایب رئیس فدراسیون جهانی حقوق بشر را با خود به يدک میکشد و از معدود شخصیتها و صحنه گردانان حضور خاتم عبادی در محافل جهانی است و در بحبوحه انقلاب ویرانگر اسلامی بعنوان لوکوموتیو ران قطار حقوق بشریها ، ایستگاه مشغول سوار کردن مسافرین و همراهان بیشتر در قطار خود بمنظور بی اعتبار کردن رژیم پیشین ایران و بدنام کردن حکومت پادشاه فقید بود، مدتهاست که داد و قال حقوق بشرشان فروکش کرده و اگر هم سر و صدائی از ایشان بگوش برسد، شامل حال تعدادی انگشت شمار از زندانیان سیاسی بوده ، بنحوی که گویی فقط آن دو یا سه نفر زندانی سیاسی جمهوری اسلامی بوده و مابقی زندانیان سیاسی ، زندانی عقیده نبوده و دزد و قاتل و قاچاق فروش و قواد و غیرو میباشند.

فریادمبارزین و فعالین سیاسی غیر وابسته و دوستان زندانی مان از این تبعیضات نادر و پشیمانه و مرزبندیهای معنا دار غیر قابل توجیه است . اگر گفته میشود که این حضرات دغدغه ملت ایران را ندارند و بدنبال اهداف دیگری هستند ، سخنی بگزاف نگفته ایم و بدون دلیل مشخص هم چنین داد و فغانی را سر نمیدهیم .

رادیو فردا ، BBC ، RFI ، VOA ، DW و... بعنوان رسانه های فارسی زبان هم مدام بدنبال این حضرات هستند . چرا باید چنین وضعیتی بر رسانه های مدعی مستقل بودن حاکم باشد؟؟ مگر فعالین سیاسی و حقوق بشری و مبارزین سیاسی در درون و بیرون مرز محدود به همین چند نفر است ؟ مگر در عرصه اپوزیسیون خصوصا برون مرزی و غیر وابسته شخصیت

و عناصر دیگری وجود ندارد که برتر و والاتر . و آگاهتر از صادق زیبا کلام و عبادی و لاهیجی و عطری و امثال اینها باشد ؟ ؟

جناب آقای گرگین و ... چرا رسانه باصلاح مستقل شما بسراغ شخصیت‌هایی چون **(دکتر اسد همایون)** در واشینگتن و امثال ایشان نمیروند ؟؟ نیاز امروزین مبارزات ملت ایران بر علیه استبداد خونین ملایان حاکم بر ایران در وحله اول توسل جستن ملت به فرهنگ و اصالت و آداب و سنن نیاکاتی است و در مرحله بعد سود بردن از تفکر و بینش شخصیت‌های وجیه المله میباشد که متاسفانه رسانه های فارسی زبان حتی رسانه های لوس آنجلسی هم بدان کمتر پرداخته اند . اگر چنین معیارهایی در فتنه 57 مورد توجه همین آقایانی که هنوز هم سنگ اصلاحات خاتمی را بر سینه میزنند و آناتیکه به روح الله خمینی بعنوان یک ناجی آسمانی نگاه کردند و مورد توجه قرار میگرفت ، این مملکت نیازی به آن فتنه ویرانگر تحت عنوان انقلاب اسلامی نداشت . چه کس یا کسانی جز مهدی بازرگان ها ، کریم سنجابی ها ، مرحوم فروهر و بسیاری از همین حضرات امروزی که آن روزها در کنفدراسیون تا بن دندان وابسته به بلوک شرق و بطور ویژه اتحاد شوروی بودند بعنوان موتور آن انقلاب در مراکز دانشگاهی عمل کردند ؟ کدام رسانه ای آتش بیار آن معرکه و تریبیون آقای خمینی و دارودسته عمامه دار و کلاهی و فکل - کراواتی ایشان بود ؟ ملت ایران در سال 57 در عین بی اطلاعی از حقایق پشت پرده و بموازات آن غرق بودن در خرافات مذهبی و عدم اطلاع از بازیهای سیاسی چوب افراد و شخصیتها و رسانه هائی را خورد که هنوز هم دارد تاوان آنرا میپردازد .

امروز هم داریم میبینیم که بجای یک رسانه با نام BBC در سال 57 ، چندین رسانه فارسی زبان بین المللی منجمله رادیوی تحت مدیریت جنابعالی ((رادیو فردا )) و در کنار اینها بعضی رسانه های فارسی لوس آنجلسی دارند به همان راهی میروند که در سال 57 طی شد . مراجعه و گفتگو با افرادی که بعضا حتی خیانتشان به این ملت اثبات گردیده است . چرا برنامه سازان و گزارشگران شما بسراغ دانشجویان مبارز ، کارگران مبارز ، معلمان مبارز ، و ... در درون و برون مرز نمیروند و اگر میروند فقط برای خالی نبودن عریضه میروند ؟؟

چرا رادیو فردا و دیگر رسانه ها بسراغ دانشجویانی چون کوروش صحتی در لوس آنجلس و یاران و همراهان این جوان و دیگرانی چون او نمیروند و با آنها به صحبت و گفتگو نمیشنید ؟؟ کوروش صحتی و یاران و همراهان او در لوس آنجلس بعنوان فعالین دانشجو در خط مقدم جبهه آنهم در ایران ضجر این مبارزه را با گوشت و پوست و استخوان حس کرده اند و سالهای متمادی را در زندان این رژیم گذرانده اند .

همین ها هستند که پس از تحمل سالها شکنجه و زندان ، میتوانند انعکاس دهنده دردهای واقعی و مشکلات مردم و مبارزین در درون مرز باشند ، نه اکبر عبدی و رضوی فقیه و افشاری و حقیقت جو و ... !

افرادی چون صحتی و امیرفرشاد ابراهیمی و امثال اینها درد و رنج این حکومت را کشیده ، بدون اینکه از کمترین امتیازی در گستره جمهوری اسلامی برخوردار بوده باشند . در مقابل، آن دیگران و رفقای درون حاکمیتی شان جزو سهامداران پنهان و اشکار رژیم بوده و به انحاء مختلف از رانت های رژیم برخوردار گردیده و حالا هم که بوی الرحمان رژیم به مشام رسیده ، با حمایت‌های بی دریغ خاتمی چی ها و اطلاع طلبان هاشمی رفسنجانی و حجاریان و علوی تبار و غیر و به آنسوی اقیانوسها آمده و با پرونی محض و مختص اصلاح طلبان خود را سخنگوی مردم ایران و اپوزیسیون رژیم معرفی مینمایند

بعنوان جمله معترضه ، این حضرات ، اعم از خانم و اقا ، دکتر و مهندس ، محقق و مفسر ، تحلیلگر و مدافع حقوق بشر ، و سیاسیون تا بحال و در طی 27 سال گذشته ، کدام قدم یا عدم مخالفت جدی با عملکرد رژیم اسلامی را برداشته اند؟؟

این حضرات باید بگویند ، در آنروزهائی که (( تیر ماه 78 )) دانشجویان این مرز و بوم به خیزش برخاستند و ندای آزادی و حق طلبی یک ملت را سر دادند و آنچنان سبعمانه و بیرحمانه توسط گزمه ها و گروههای فشار و نیروهای سرکوبگر رژیم در هم کوبیده میشدند و در زیر انواع واقسام شکنجه ها قرار داشتند و بسیاریشان هنوز هم در زندانهای رژیم مشغول گذراندن احکام ظالمانه ده ساله ، پانزده ساله و بیست ساله و اعدام قرار دارند و پس از آنهم از همه فعالیتهای اجتماعی محروم خواهند بود ، این خانمها و آقایان کجا بودند ، چه میکردند و برای دفاع از مظلومیت و حقوق حقه دانشجویان و سایر اقشار و طبقات صنفی چه عملی را انجام دادند و میدهند ???

مطلبی در خورتر ، چندی پیش رانندگان و کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، بمنظور احقاق حقوق از دست رفته خود به خیزشی صنفی و سندیکائی برخاستند . با اینکه بر همگان مبرهن است این فشر زحمتکش و تهدیست جز کلمه حق هیچ بر زبان نیاوردند ، اما دیدیم که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی چه سان سبعمانه آنها را سرکوب و قلع و قمع نمود و رهبران اعتصابیون و مدیران سندیکای شرکت واحد ، منجمله آقای ((اصانلو )) را گرفته و به بند کشیدند که هنوز هم تمامی این مبارزین حق طلب در غل و زنجیر بسر میبرند

براستی این مدعیان حقوق بشر، و دلسوزان به حال ملک و ملت برای احقاق حقوق و آزادی آنها چه عمل مفیدی را انجام دادند؟؟ اصلا در مورد آن خیزش چه موضع گیری یا واکنشی از آنها دیده شد؟ این حضرات اپوزیسیون هنوز اصلاح طلب ، ودوستان حقوق بشری شان از کدام حقوق بشر و کدام اصلاحات و کدام تغییرات صحبت میکنند.؟؟؟

نگارنده بعنوان یک فرد و یک ایرانی از هفتاد میلیون ایرانی دربند ، این سنوال و گلایه اساسی را با رادیو فردا ، BBC ، فرانسه آلمان و غیرو ، و هم چنین با مدافعان حقوق بشر و اپوزیسیون خلق شده بعد از موضوع هفتاد و پنج میلیون دلاری در میان میگذارم و قویا خواهان پاسخ آن میباشم .

ای رسانه ها ، ای شخصیتهای ریز ودرشت اپوزیسیون وابسته و غیر وابسته ، ای شخصیتهای وجیه المله و رنگ باخته ، ای آنائیکه مدعی مبارزه برای آزادی و استقرار دموکراسی در این سرزمین بلازده هستید ، ای رهبران سیاسی جهان ، وای ... ! برای خانواده زندانیان سیاسی ، برای مبارزین مستقل و غیروابسته به این و آن برای فعالین سیاسی غیر وابسته و جدا شده بمعنای واقعی و... چه چاره ای اندیشیده اید . وکدام عمل ملموس و قابل قبولی را انجام داده اید؟؟؟

خانمها و آقایان ، همین حالا که مشغول نگارش این سطور هستم چهارشنبه 24 اسفند 84 و یک شب از مراسم بسیار مقدس شب چهارشنبه سوری میگذرد . اگر شب گذشته سرتان را از پنجره های تو در توی قصرهای مصادره ای و خریداری شده از مال این ملت بیرون آورده باشید ، خشم عصیان ملت را بخوبی دیدید و باگوش جان شنیدید . هر شعله آتشی که بر افروخته شد ، آتش خشم ، و هر ترقه ای که ترکانده شد . بمثابة شلیک عصیان یک ملت گرفتار بود . چند روز دیگر نوروز 85 از راه میرسد . بدیهیست که بسیاری از شما حضرات با ثروتهای افسانه ای اندوخته شده از اموال به تاراج رفته این ملت، بهترین لباسها ، بهترین جواهرات ، بهترین کیف و کفش وکلاه و بهترین مسافرتها را برای خود و خانواده تان تدارک دیده اید و تعطیلات خود را با بهترین شکل ممکن و با حداکثر امکانات مالی ورفاهی سپری

خواهید نمود . ایا فکر کرده اید که چند میلیون خانواده ایرانی حتی قادر نبوده و نیستند که حتی یک جفت کفش برای فرزندان خود ایتیاغ نمایند ؟ آیا هرگز اندیشیده اید که خانواده زندانیان سیاسی این روزهای زیبا و دگرگونی طبیعت را چگونه خواهد گذراند ؟ ایا یک لحظه تصور کرده اید که مبارزین این سرزمین در درون مرز با چه مشکلات و معضلات و ناهنجاریهایی در این روزها مواجه اند ؟ بنظر نمیرسد که به این مهم اندیشیده باشید !

جناب آقای گرگین ، از اینکه ممکن است در این مقال به بعضی مطالب خارج از محتوای بحث رفته باشیم از جنابعالی و دیگر مخاطبین عذر خواهی میکنم و به اصل مطلب باز میگردم . از جنابعالی بعنوان مدیر ارشد رادیو فردا بعنوان رسانه ای فراگیر و پیر شنونده ((خصوصا در ایران )) و همکاران شما در آن رادیو وهم چنین مدیران و برنامه سازان و گزارشگران دیگر رسانه های بین المللی ، میپرسم که چرا از اپوزیسیون غیر وابسته درون مرزی غافل مانده و تمامی هم و غم خود را مصروف نظر خواهی با افراد و شخصیتهایی مینماید که بیست و هفت سال گذشته بطور اعم و همین حالا بطور اخص ، ضد اپوزیسیون واقعی ، چه در داخل و چه در خارج عمل نموده و مینمایند ؟؟

نه جنابعالی، که دنیا ورهبران کشورهای قدرتمند و در راس آنها ایالات متحده آمریکا بخوبی میدانند که اپوزیسیون واقعی این رژیم در درون مرز ملت ایران بوده و بهتر از آن میدانند که این اپوزیسیون چه خواسته و مطالباتی دارد .

حتی بر این مهم وقوف دارید که هیچ یک از افراد اپوزیسیون فعالین و مبارزین درون مرز مجاز نبوده و نیستند تا با رسانه های برون مرز اعم از لوس آنجلس و بین المللی به گفتگو بنشینند . رژیم جمهوری اسلامی هرگز و تحت هیچ شرایطی اجازه نداده و نمیدهند تا اپوزیسیون غیر وابسته و بکلی مخالف با عملکردهای این رژیم کلامی را بر زبان برانند . با این توضیح میخواهم بگویم ، چرا وقت خود را در این مسیر هزینه نمیکنید تا در شرایطی امکان پذیر چون بهره گیری از اسامی مستعار، با فعالین و مبارزین درون مرز و شخصیتهای موجه در برون مرز به صحبت و گفتگو بنشینند ؟

شرایط امروزین کشور ما چگونه ایست که باید هر امکاتی برای مبارزه و انعکاس آن در رسانه های مورد مطالعه و بررسی و در صورت امکان به اجرا گذاشته شود . چرا مقوله نقض حقوق بشر را چون مقال فعالیتهای هسته ای به بحث روز تبدیل نمی نمائید ؟

با این توضیح بدهیست که شخصیتهایی چون زیبا کلام ، عطریانفر ، شمس الواعظین ، عبادی ، باقی ، و غیرو که در درون مرزها هستند ، طبعاً از حمایتهای غیبی بخشی از قدرتمندان حاکمیت در طول این 27 سال برخوردار بوده و هستند و بهمین دلیل هم شب و روز سنگ این رژیم و شخصیتهای امداد گر را بر سینه میزنند کدام رسانه وجود داشته و دارد که از زبان زیبا کلام و یا دیگرانی از جنس اوشنیده باشد که حتی برای یک بار هم که شده این رژیم را با صراحت محکوم کرده باشند . کدامین این حضرات توانستند در مقابل سرکوب دانشجویان یا کارگران یا معلمان یا همین اواخر سرکوب کارگران شرکت واحد یک موضع گیری منصفانه و منطبق با موازین حقوق بشری گرفته باشند ؟

مگر موضوع نفرت انگیز انقلاب فرهنگی را فراموش کرده اید ؟ مگر حرکت مخرب گروگانگیری در سفارت آمریکا را فراموش کرده ایم ؟؟ اگر فراموش نکرده اید، کلاه خودتان را قاضی کنید و ببینید که حضرات اصلاح طلب و امروز اپوزیسیون شده، در قبال رخدادهایی چون دو رخداد یاد شده ورخدادهای دروغین دوران اصلاحات و اصلاح طلبی منجمله در مورد قتلهای زنجیره ای و ... چه سان ناجوانمردانه و سازشکارانه همه چیز این ملت را ببازی گرفتند .

جناب گرگین ، حضرات مدیران رسانه های چه و چه : اگر به اصالت کارتتان معتقدید و وظیفه اخلاقی و صنفی خود را میدانید تا انعکاس دهنده مطالبات واقعی مردم ایران باشید ، بهتر است که بدنبال سوراخ دعا‌های گم شده و ورق های باز شده و سوخته نروید و نگردید . این حقیقت را دریابید ، کلیه افرادی که امروز با مطرح شدن مقوله هفتاد و پنج میلیون دلاری رنگ عوض کرده و خود را اپوزیسیون رژیم اسلامی معرفی مینمایند ، هیچ کدامشان سخنگوی مطالبات واقعی مردم ایران نبوده و نیستند و نخواهند بود. چرا که هیچ بعید نمی نماید که در آتیه ای نه چندان دور و احتمالاً ماههای اخیر ، افرادی خونخواری چون اکبر هاشمی رفسنجانی ، ابراهیم یزدی ، فلاحیان ، یاران سعید امامی و قماشهائی از این دست هم لباس اپوزیسیون بر تن کنند و خود را اپوزیسیون رژیم جمهوری اسلامی معرفی نمایند و رسانه ها هم با نگرشی باورمندانه بسراغ آنها بروند و به گفتگو بنشینند ، ، تصور کنید که چنین اپوزیسیونی تا چه حد مضحک و خنده دار و در عین حال عصبانی کننده خواهد بود .